



تدوین مدل دلزدگی زناشویی بر اساس سبک‌های دلبستگی در افراد متأهل: با نقش واسطه‌ای تمایز یافتگی

دانشجوی دکتری گروه مشاوره، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
استادیار گروه مشاوره، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
دانشیار گروه روانشناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
دانشیار گروه مشاوره، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مهران اسعدی ^{id}

تقی پورابراهیم* ^{id}

نورعلی فرخی ^{id}

مهدی دوایی ^{id}

t_pourebrahim@sbu.ac.ir

پذیرش: ۱۴۰۰/۱۶/۱۱۱۲ | ایمیل نویسنده مسئول:

دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۴

فصلنامه علمی پژوهشی
خانواده درمانی کاربردی

شاپا (الکترونیکی) ۲۷۱۷-۲۴۳۰
<http://Aftj.ir>

دوره ۳ | شماره ۱ | پیاپی ۱۰ | ۴۴۵-۴۶۰
بهار ۱۴۰۱

نوع مقاله: پژوهشی

به این مقاله به شکل زیر استناد کنید:

درون متن:

(اسعدی، پورابراهیم، فرخی و دوایی، ۱۴۰۱)

در فهرست منابع:

اسعدی، مهران، پورابراهیم، تقی، فرخی، نورعلی، و دوایی، مهدی. (۱۴۰۱). تدوین مدل دلزدگی زناشویی بر اساس سبک‌های دلبستگی در افراد متأهل: با نقش واسطه‌ای تمایز یافتگی. فصلنامه خانواده‌درمانی کاربردی، ۳(۱) پیاپی ۱۰: ۴۴۵-۴۶۰.

چکیده

هدف: پژوهش حاضر باهدف تدوین مدل دلزدگی زناشویی بر اساس سبک‌های دلبستگی در افراد متأهل: با نقش واسطه‌ای تمایز یافتگی انجام پذیرفت. **روش پژوهش:** پژوهش به لحاظ هدف کاربردی طرح پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی مدل یابی بود. جامعه آماری تحقیق حاضر شامل تمام زنان و مردان متأهل جوان بین ۲۰-۳۵ ساله مراجعه‌کننده به کلینیک‌های روانشناسی و مشاوره در سطح شهر تهران بود با استفاده از روش نمونه‌گیری دسترس ۴۸۰ نفر (۲۸۹ نفر زن، ۱۹۱ نفر مرد) به‌عنوان نمونه انتخاب شدند، برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌های مقیاس دلزدگی زناشویی پاینر (۱۹۹۶)، پرسشنامه تمایز یافتگی اسکورن و فریدلندر (۱۹۹۸)، پرسشنامه سبک دلبستگی بزرگسالان کولینز و رید در سال (۱۹۹۰) استفاده شد. **یافته‌ها:** نتایج نشان داد بین تمایز یافتگی با دلزدگی زناشویی رابطه‌ی منفی و معناداری برقرار است و چون بین سبک‌های دلبستگی نیز با تمایز یافتگی رابطه برقرار است، بنابراین تمایز یافتگی در رابطه‌ی سبک‌های دلبستگی با دلزدگی زناشویی نقش واسطه‌گری دارد البته تمایز یافتگی تنها برای رابطه‌ی سبک اجتنابی با دلزدگی نقش واسطه‌گری دارد زیرا با دو سبک دیگر رابطه‌ی معناداری ندارد. همچنین مدل مفهومی پژوهش بین تمایز یافتگی و دلزدگی زناشویی رابطه‌ی منفی و معنادار وجود داشت و تمایز یافتگی در رابطه با سبک‌های دلبستگی نایمن (دوسوگرا/اجتنابی) رابطه‌ی منفی دارد و از طرفی با سبک دلبستگی نایمن رابطه مثبت و معنی‌دار دارد و در ارتباط بین سبک دلبستگی اجتنابی و دلزدگی زناشویی نقش میانجی داشت ($p < 0/05$). **نتیجه‌گیری:** با توجه به رابطه سبک‌های دلبستگی و دلزدگی زناشویی همچنین با توجه به نقش واسطه‌ای تمایز یافتگی در رابطه سبک‌های دلبستگی و دلزدگی زناشویی نتیجه‌گیری می‌شود توجه به این دو متغیر در مداخلات پیش از ازدواج و زوجی مشاوران و روانشناسان حوزه خانواده در پیشگیری از آسیب‌های رابطه زوجین مؤثر است.

کلیدواژه‌ها: دلزدگی زناشویی، سبک‌های دلبستگی، تمایز یافتگی

مقدمه

خانواده اساسی‌ترین جزء جامعه و واحد اولیه در تعاملات انسانی است که امکان تکرار نسل‌ها و پیوند فرد را به جامعه بزرگ‌تر فراهم می‌کند (امورو، ۲۰۱۸) بنابراین دستیابی به جامعه سالم، درگرو سلامت خانواده و تحقق خانواده سالم مشروط به برخورداری افراد آن از سلامت روانی و داشتن رابطه‌های مطلوب با یکدیگر است (بیتر و بیرد، ۲۰۱۶)؛ اما عوامل متعددی ممکن است این رابطه را دچار تعارض و به دنبال آن رابطه زوجین را تهدید کند، از جمله عوامل تهدیدکننده زندگی زناشویی می‌توان به دلزدگی زناشویی اشاره کرد (صدری دمیرچی، فتحی و هاشمی مهر، ۱۳۹۸)، وقتی که زوجها در برقراری ارتباط با یکدیگر شکست می‌خورند؛ در این صورت صمیمیت و تعهد متقابل گسسته و دلزدگی زناشویی ایجاد می‌شود (پناهی، جمارانی، عنایت پور شهربابکی و رستمی، ۱۳۹۶). مجموعه‌ای از توقعات غیرمنطقی و غیرواقع‌بینانه، گذار از هیجان‌ها، بی‌دقت و بی‌توجه بودن زوجها نسبت به هم و نیازهای یکدیگر، بیان نکردن احساسات و نیازها به یکدیگر و فراز و نشیب‌های زندگی باعث بروز دلزدگی زناشویی می‌شود (فتوحی، ۱۳۹۶). کایزر (۱۹۹۳) دلزدگی را فقدان دلبستگی عاطفی تعریف می‌کند که دارای سه مرحله است: ۱. سرخورده‌گی و ناامیدی؛ این مرحله سرخورده‌گی از روابط را شامل می‌شود که فرد دلزده نسبت به همسرش در سکوت کامل نشخوار فکری می‌کند، ۲. حس مابین ناامیدی، دلزدگی، خشم و تنفر؛ این مرحله با حس تنفر همراه است و چشم‌پوشی از خطاهای همسر به‌سختی ممکن می‌شود، ۳. دلسردی و بی‌تفاوتی؛ فاصله‌گیری عاطفی و جسمی مشخصه آخرین مرحله از فرآیند دلزدگی زناشویی است (نقل از صدری دمیرچی، فتحی و هاشمی مهر، ۱۳۹۸). درواقع دلزدگی زناشویی یک حالت دردناک فرسودگی جسمی، عاطفی و روانی است و هنگامی بروز می‌کند که علی‌رغم تمام تلاش‌های زوج، رابطه‌شان به زندگی‌شان معنا نداده و نخواهد داد، این پدیده امری تدریجی است و به‌ندرت ناگهانی اتفاق می‌افتد. در حقیقت، عشق و صمیمیت به تدریج تحلیل می‌رود و همراه با آن فرسودگی کلی به وجود می‌آید (ون پلت، ۲۰۰۴ به نقل از قنبری، اسماعیلی، تقی پور و خلقی، ۱۳۹۵)

همان‌طور که بیان شد دلزدگی زناشویی کاهش تدریجی دلبستگی عاطفی است (کایزر، ۱۹۹۳؛ صدری دمیرچی و همکاران، ۱۳۹۸) بنابراین یکی از عواملی که احتمال دارد در دلزدگی زوجین نقش داشته باشد، سبک‌های دلبستگی است؛ تولر و استولماچر (۲۰۱۳) سبک‌های دلبستگی را به‌عنوان یکی از عوامل شخصی که بر همسازی و ناهمسازی زناشویی تأثیر می‌گذارد برشمردند. دلبستگی پیوند هیجانی پایدار بین دو فرد است، به‌طوری‌که یکی از طرفین می‌کوشد مجاورت به انگاره دلبستگی را حفظ کرده و به‌گونه‌ای عمل کند تا مطمئن شود که ارتباط ادامه دارد. رفتار دلبستگی هنگامی که شخص احساس‌هایی نظیر ترس، غمگینی و بیماری دارد، فعال می‌شود و فرد را به جست‌وجو یا نزدیک ماندن به شخص آشنا، وادار می‌سازد (زیمرمن و بیکر، ۲۰۱۰). در نظریه دلبستگی بر این نکته تأکید شده که روابط اولیه دوران کودکی، سبک‌های دلبستگی را شکل می‌دهند و بر دیدگاه فرد در مورد خود، دیگران و روش سازمان‌دهی روابط بین فردی، تأثیر می‌گذارند (مارگانسکا، گالاگر و میراندا، ۲۰۱۳) درواقع تجارب دلبستگی نایمن در دوره کودکی نقش تعیین‌کننده در آسیب‌های دوره بزرگسالی دارد (مینیاچی، کالری و پینی، ۲۰۱۷) سه

سبک دلبستگی ایمن^۱، اجتنابی^۲ و دوسو گرا^۳ در کودکی توصیف شده است که در بزرگسالی نیز مورد تأیید قرار گرفته است. افراد دارای سبک دلبستگی ایمن در برقراری روابط صمیمی راحت هستند، به دریافت حمایت از سوی دیگران تمایل نشان می‌دهند، تصویری مثبت از خود دارند و از دیگران توقعات و انتظارات مثبت دارند. افراد دارای سبک دلبستگی اجتنابی خود را از لحاظ هیجانی سرد و دارای سوءظن تلقی می‌شوند. آن‌ها اعتماد و اتکا به دیگران را برای خود مشکل می‌یابند و هنگامی که دیگران خیلی با آن‌ها صمیمی شوند احساس نگرانی می‌کنند. افراد دارای سبک دلبستگی دوسوگرا خود را به عنوان افرادی که به درستی از جانب دیگران درک نشده و دارای کمبود اعتماد به نفس هستند، در نظر می‌گیرند و از این امر که دیگران آن‌ها را ترک کرده یا به طور واقعی دوست نداشته باشند، احساس نگرانی می‌کنند (مارکوس، ۲۰۰۳) مطالعات مبتنی بر آسیب‌شناسی تحولی نیز رابطه‌ی بین تجارب منفی اولیه‌ی تحصیلی و خانوادگی و مشکلات افراد بزرگسال در انجام تکالیف تحولی و مشکلات روان‌شناختی و شبکه‌های معیوب زناشویی را مورد تأکید قرار می‌دهند (یانگ، کلاسکو و ویشار، ۲۰۱۳ به نقل از زارع سلطانی و قمری، ۱۳۹۵)؛ اما التجلت و اندرا ملتز (۲۰۱۹) در پژوهش خود نشان دادند، افراد با سبک دلبستگی ناایمن (اجتنابی و دوسوگرا) در روابط بزرگسالی خود سطح پایینی از رضایت، تعهد و اطمینان را نشان می‌دهند.

از دیگر عواملی که نقش مؤثری در روابط زوجین دارد می‌توان به تمایز یافتگی اشاره کرد، مفهوم تمایز یافتگی خود از اساسی‌ترین مفاهیم نظریه نظام‌های خانواده موری بوون (۱۹۸۷) است که به منظور تبیین عملکرد خانواده به کار می‌رود، خانواده‌ها و دیگر گروه‌های اجتماعی تأثیر زیادی بر نحوه تفکر، احساس و رفتار افراد دارند. محیط و خانواده سطح تمایز یافتگی خود فرد را در کودکی تعیین می‌کنند و متقابلاً سطح تمایز یافتگی خود فرد بر محیط زندگی اجتماعی و آینده فرد و از جمله در روابط زناشویی وی تأثیرگذار است (یوسفی، قربانی و عزیزی، ۱۳۹۷). تمایز یافتگی را در دو سطح می‌توان بررسی کرد: سطح درون- فردی که اشاره به نوعی ظرفیت درونی برای تفکیک احساسات از تفکرات دارد و سطح بین فردی که به توانایی حفظ استقلال درون بافت خانواده اشاره می‌کند (ساندج، کرابتری و شوئیر، ۲۰۱۲). مفهوم تمایز یافتگی یک فرایند است که اگر به صورت یک پیوستار در نظر گرفته شود در یکسر آن خودمختاری و در سر دیگر امتزاج است (گلادینگ ترجمه بهاری و همکاران، ۱۳۸۲). مفهوم تمایز یافتگی به توانایی تجربه صمیمیت با دیگران و ماندن در جو عاطفی خود و در عین حال استقلال از دیگران اشاره دارد (کلور، ۲۰۰۹، به نقل از آریا منش، فلاح و زارعی، ۱۳۹۲) و در اصطلاح پلی است که فهم وابستگی متقابل در روابط را میسر می‌سازد (سلطانی علی‌آبادی، امیر جان، یونسی، ازخوش و عسگری، ۱۳۹۰). تفکیک خویشتن در معنای بوئنی آن، بیشتر به عنوان یک فرآیند و مسیر زندگی، در نظر گرفته می‌شود تا یک حالت وجودی یا بودن صرف که هدف اساسی آن، توازن میان احساس و شناخت است (گلدنبرگ، ۱۳۹۲). از لحاظ نظری حداقل چهار عامل بر سطح تمایز یافتگی فرد تأثیر می‌گذارد: ۱ واکنش پذیری

-
1. secure
 2. avoidant
 3. ambivalence

هیجانی^۱: زمانی که هیجانات بر افکار غلبه می‌کنند و تفرد شخصی را در خود فرو می‌برند؛ ۲ گسلس عاطفی^۲: زمانی که اعضای خانواده به دلیل دل‌بستگی‌های هیجانی حل‌نشده از لحاظ فیزیکی یا روانی از یکدیگر دوری می‌جویند ۳: همجوشی یا امتزاج^۳: ادغام عملکردهای فکری و هیجانی چنانکه فرد حس و حال روشنی نسبت به خود یا دیگران ندارد ۴: وضع من^۴: اتخاذ موضع و صحبت کردن فرد به‌گونه‌ای که احساسات و افکارش را به شیوه‌ای شخصی و مسئولانه ابراز کند و به‌این‌ترتیب دیگران را به ابراز نظرات خود تشویق نماید (عارفی، رحیمی و اسمعیلی، ۱۳۹۵)؛ همان‌طور که بیان شد سبک‌های دل‌بستگی و تمایز یافتگی از عوامل تأثیرگذار در روابط زوجی است اما سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که این عوامل چگونه بر دلزدگی زناشویی اثر می‌گذارند؟ به نظر می‌رسد مدل‌های واسطه‌ای بتوانند تبیین مناسبی برای این فرآیند، فراهم آورند. لذا پژوهش حاضر باهدف بررسی فرضیه‌های زیر انجام شد:

۱. بین سبک‌های دل‌بستگی (ایمن، اجتنابی، دو سوگرا) با دلزدگی زناشویی رابطه مستقیم وجود دارد.

۲. بین سبک‌های دل‌بستگی (ایمن، اجتنابی، دو سوگرا) با دلزدگی زناشویی با واسطه‌گری تمایز یافتگی رابطه غیرمستقیم وجود دارد

روش پژوهش

پژوهش از نظر هدف کاربردی و طرح پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود، جامعه آماری شامل تمام زنان و مردان متأهل بین ۲۰-۳۵ ساله مراجعه‌کننده به کلینیک‌های روانشناسی و مشاوره در سطح شهر تهران در سال ۱۳۹۹ بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس تعداد ۴۸۰ نفر (۲۸۹ نفر زن، ۱۹۱ نفر مرد) به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. معیارهای ورود به پژوهش شامل موارد زیر بود: ۱. گذشتن حداقل سه سال از زندگی مشترک، ۲. سن بین ۱۰ تا ۳۵ سال، ۳. رضایت آگاهانه جهت شرکت در پژوهش. معیار خروج نیز شامل عدم تکمیل یا تکمیل ناقص پرسشنامه‌ها بود.

ابزار پژوهش

۱. **مقیاس دلزدگی زناشویی**^۵. مقیاس فرسودگی زناشویی (دلزدگی) یک ابزار خود سنجی است که برای اندازه‌گیری درجه دلزدگی زناشویی در بین زوجها طراحی گردیده است این پرسشنامه توسط پاینز (۱۹۹۶) ابداع گردید که شامل ۲۱ ماده است و ۳ جزء اصلی خستگی جسمی (مثل احساس خستگی، سستی و داشتن اختلالات خواب) از پا افتادن عاطفی (احساس افسردگی، ناامیدی، در دام افتادن) و از پا افتادن روانی (مثل احساس بی‌ارزشی، سرخوردگی و خم به همسر) است. تمام این موارد روی یک مقیاس هفت امتیازی پاسخ داده می‌شوند. سطح ۱ معرف عدم تجربه عبارت مورد نظر و سطح ۷ معرف تجربه زیاد عبارت مورد نظر است. ارزیابی ضریب اعتبار CBM نشان داد که آن دارای یک همسانی درونی بین متغیرها

1. Emotional reactivity
2. Emotional cutoff
3. Fusion
4. I-position
5. Couple Burnout Measurement

در دامنه ۰/۸۴ و ۰/۹۰ است. روایی به‌وسیله همبستگی‌های منفی با ویژگی‌های ارتباطی مثبت به تأیید رسیده است مانند نظر مثبت در مورد ارتباط، کیفیت مکالمه، احساس امنیت، خود شکوفایی، احساس هدفمندی، کشش و جاذبه عاطفی نسبت به همسر و کیفیت رابطه جنسی آن‌ها، نسخه‌های ترجمه‌شده CBM به‌طور موفقیت‌آمیزی در مطالعات بین فرهنگی در نروژ، مجارستان، مکزیک، اسپانیا، پرتغال، فنلاند و اسرائیل استفاده‌شده است (پاینز و نانز، ۲۰۰۳ و لانس و لانس، ۲۰۰۱) ضریب اطمینان آزمون - باز آزمون ۰/۸۹ برای یک دوره یک‌ماهه، ۰/۷۶ برای دوره دوم‌ماهه و ۰/۶۶ برای دوره چهارماهه بود همسانی درونی برای اغلب آزمودنی‌ها با ضریب ثابت آلفا سنجیده شد که بین ۰/۹۱ تا ۰/۹۳ بود (پاینز ۱۹۹۶، ترجمه شاداب، ۱۳۸۱). در ایران نیز نویدی (۱۳۸۴) آلفا کرونباخ این پرسشنامه را در مورد ۲۴۰ نفر نمونه، ۱۲۰ پرستار و ۱۲۰ معلم اندازه‌گیری کرد که عبارت است از ۰/۸۶. در این پژوهش آلفای کرونباخ برای این آزمون ۰/۹۲ به دست آمد.

۲. پرسشنامه تمایز یافتگی. این پرسشنامه در سال ۱۹۹۸ توسط اسکورن و فریدلندر^۱ با ۴۳ سؤال ساخته و به‌منظور سنجش سطح خود تمایزسازی افراد به کار می‌رود. تمرکز اصلی آن بر روابط مهم زندگی و ارتباطات جاری افراد با خانواده اصلی آن‌ها است (اسکورن و اسمیت^۲، ۲۰۰۳). این پرسشنامه در یک طیف لیکرت شش گزینه‌ای درجه‌بندی شده است و از چهار خرده مقیاس واکنش‌پذیری هیجانی، جایگاه من، گریز هیجانی و هم‌آمیختگی با دیگران تشکیل شده است. اسکورن و اسمیت (۲۰۰۳)، ضریب اعتبار کل آزمون را ۰/۹۲ برآورد کردند و یونسی (۱۳۸۵) این پرسشنامه را هنجاریابی و اعتبار آن از طریق باز آزمایی و آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۵ و خرده مقیاس‌های واکنش‌پذیری هیجانی ۰/۷۷، جایگاه من ۰/۶۰، گریز هیجانی ۰/۶۵ و هم‌آمیختگی با دیگران ۰/۷۵ برآورد کرد. روایی آزمون نیز از طریق تحلیل عاملی موردبررسی قرار گرفته و چهار عامل بارزش ویژه بالاتر از یک به‌دست‌آمده است که در مجموع ۵۷/۶۷ واریانس را تبیین می‌کرده است. نمره کل این پرسشنامه از حاصل جمع نمرات ۴۳ سؤال پرسشنامه به دست می‌آید. پایایی زیر مقیاس‌های دلبستگی در پژوهش حاضر با روش آلفای کرونباخ برای زیر مقیاس‌های واکنش‌پذیری عاطفی جایگاه من، گریز عاطفی و هم‌آمیختگی با دیگران به ترتیب ۰/۷۱، ۰/۷۰، ۰/۷۸ و ۰/۷۴ به‌دست‌آمده است.

۳. مقیاس تجدیدنظر شده دلبستگی بزرگ‌سالان^۳. این مقیاس توسط کولینز و رید در سال (۱۹۹۰) ساخته شد. این مقیاس شامل خودارزیابی از مهارت‌های ایجاد روابط و خود توصیفی شیوه شکل‌دهی روابط دلبستگی نسبت به چهره‌های دلبستگی نزدیک است و مشتمل بر ۱۸ سؤال می‌باشد که از طریق علامت‌گذاری روی یک مقیاس ۵ درجه‌ای از نوع لیکرت است که از؛ به‌هیچ‌وجه با خصوصیات مطابقت ندارد: (۱) تا کاملاً با خصوصیات من تطابق دارد: (۵)، تشکیل می‌گردد، سنجیده می‌شود. با تحلیل عوامل، ۳ زیر مقیاس که هر مقیاس شامل ۶ ماده است مشخص شده است، ۳ زیر مقیاس عبارت‌اند از: وابستگی^۴ (D): میزانی راک آزمودنی‌ها به دیگران اعتماد می‌کنند و به آن‌ها متکی می‌شوند به این صورت

1. Friedlander
2. Smith
3. Revised Adult Attachment Scale
4. Dependency

که آیا در مواقع لزوم قابل‌دسترسی‌اند، اندازه‌گیری می‌کند. نزدیک بودن^۱ (C): میزان آسایش در رابطه با صمیمیت و نزدیکی هیجانی را اندازه‌گیری می‌کند. اضطراب^۲ (A): ترس از داشتن رابطه را می‌سنجد (مالینکروودت وهمکاران، به نقل از پاکدامن، ۱۳۸۰). کولینز و رید (۱۹۹۰)، به نقل از پاکدامن، ۱۳۸۰) بر پایه توصیف‌هایی که در پرسشنامه دل‌بستگی بزرگسال هازان و شیور در مورد سه سبک اصلی دل‌بستگی وجود داشت مواد پرسشنامه خود را تدارک دیده‌اند. زیر مقیاس اضطراب (A) با دل‌بستگی اضطرابی-دوسوگرا مطابقت دارد و زیر مقیاس نزدیک بودن (C) یک بعد دوقطبی است که اساساً توصیف‌های ایمن اجتنابی را در مقابل هم قرار می‌دهد (فینی ونولر، ۱۹۹۶) بنابراین نزدیک بودن (C) در تطابق با دل‌بستگی ایمن می‌باشد و زیر مقیاس وابستگی (D) را می‌توان تقریباً عکس دل‌بستگی اجتنابی قرار داد. پایایی و اعتبار: کولینز و رید (۱۹۹۰)، به نقل از پاکدامن، ۱۳۸۰) نشان دادند که زیر مقیاس‌های نزدیک بودن، وابستگی و اضطراب در فاصله زمانی ۲ ماه و حتی در طول ۸ ماه پایدار ماندند و در مورد قابلیت اعتماد میزان آلفای کرونباخ را برای هر زیرمقیاس در یک نمونه ۱۸۳ نفری به صورت زیر نشان دادند: سبک دل‌بستگی ایمن، ۰/۸۱، سبک دل‌بستگی اجتنابی ۰/۷۸ و سبک دل‌بستگی اضطرابی ۰/۸۵. ضریب اعتبار زیر مقیاس‌های دل‌بستگی در پژوهش حاضر با روش آلفای کرونباخ برای زیر مقیاس‌های ایمن، اجتنابی و اضطرابی به ترتیب ۰/۷۸، ۰/۷۲ و ۰/۸۲ به دست آمده است.

روش اجرا. در این مقاله کلیه اصول اخلاقی رعایت شد و شرکت‌کنندگان از اجراء، مراحل و هدف تحقیق مطلع شدند، همچنین آن‌ها از محرمانه بودن اطلاعات خود اطمینان حاصل کردند و در صورت تمایل، نتایج تحقیق در دسترس آن‌ها خواهد بود. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات و جهت بررسی مدل پیشنهادی پژوهش، از نرم‌افزارهای SPSS و AMOS استفاده شد. به منظور و دستیابی به اطلاعات اولیه در مورد متغیرهای اندازه‌گیری شده، شاخص‌های آماری نظیر میانگین، انحراف معیار و همچنین ماتریس همبستگی محاسبه شد. برای بررسی ارتباطات موجود در مدل پیشنهادی نیز از روش تحلیل معادلات ساختاری استفاده گردید. همچنین به کمک نرم‌افزار AMOS، به منظور تعیین برازش مدل چندین شاخص برازش مورد استفاده قرار گرفته است.

یافته‌ها

نتایج در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی ارائه شده است، در بخش شاخص‌های توصیفی از ۴۸۰ نفر مورد مطالعه ۱۴۲ نفر (۲۹/۵۸ درصد) ۲۵ تا ۳۰ سال، ۱۸۶ نفر (۳۸/۷۵ درصد) ۳۰ تا ۳۵ سال و ۱۵۲ نفر (۳۱/۶ درصد) بالای ۳۵ سال سن داشتند، همچنین از افراد مورد مطالعه ۲۸۹ نفر زن و ۱۹۱ نفر مرد بودند و ۷۶/۶۶ شرکت‌کنندگان دارای تحصیلات لیسانس و بالاتر بودند.

-
1. Closeness
 2. Anxiety

جدول ۱. توصیف متغیرهای پژوهش

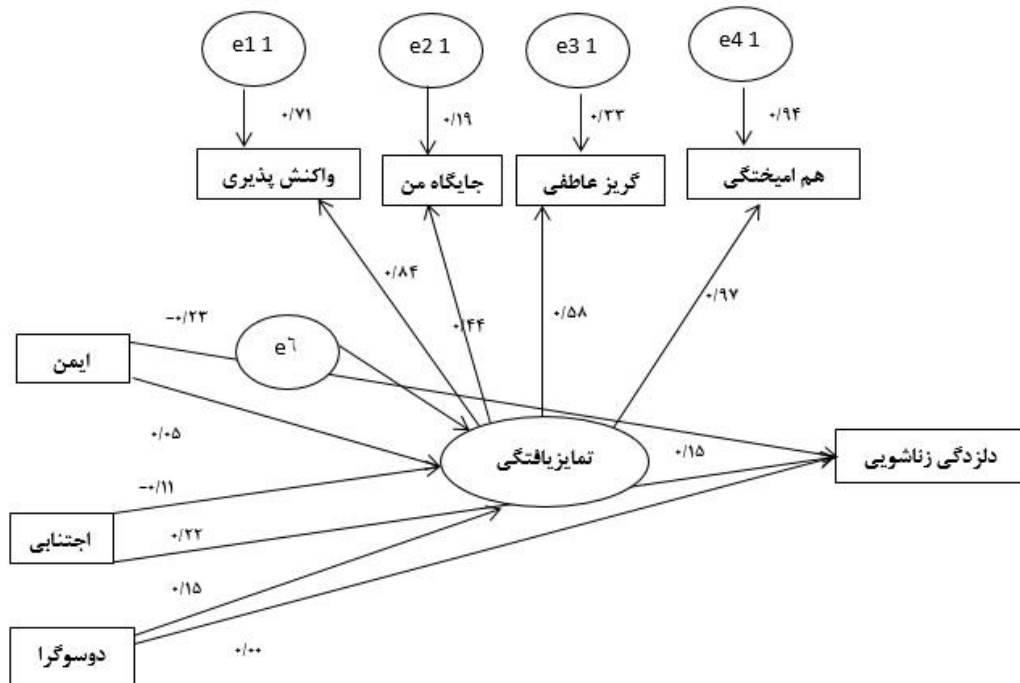
متغیر	مؤلفه	میانگین	انحراف استاندارد	چولگی	کشیدگی
دلبستگی	ایمن	۱۷/۵۵	۴/۷۲	۰/۱۶	-۰/۲۱
	اجتنابی	۱۹	۴/۴۷	-۰/۲۳	۰/۲۸
	دوسوگرا	۱۸/۸۴	۳/۹۲	۰/۱۵	۰/۵۹
تمایز یافتگی	واکنش‌پذیری عاطفی	۳۸/۸۷	۹/۷۶	-۰/۲۹	۰/۵۰
	جایگاه من	۴۰/۵۴	۷/۹۳	-۰/۷۶	۰/۹۰
	گریز عاطفی	۴۴/۳۱	۱۱/۰۸	-۰/۴۴	۰/۵۵
دلزدگی زناشویی	هم آمیختگی با دیگران	۳۲/۲۲	۷/۹۹	-۰/۲۹	۰/۴۷
	...	۷۰/۶۷	۱۹/۱۵	۰/۳۱	۰/۵۸

جدول فوق نشان می‌دهد میانگین سبک اجتنابی در بین مؤلفه‌های دلبستگی دارای بیشترین میانگین است. در بین مؤلفه‌های تمایز یافتگی نیز گریز عاطفی بیشترین میانگین را دارد دلزدگی زناشویی نیز دارای میانگین ۷۰/۶۷ می‌باشد. در ادامه فرضیه‌های پژوهش با استفاده از تحلیل مسیر مورد آزمون قرار گرفته‌اند و نتایج و تحلیل نتایج آزمون فرضیه‌ها ارائه شده است. قبل از بررسی فرضیات پیش فرض نرمال بودن را مورد بررسی قرار گرفته است: برای بررسی نرمال بودن داده‌ها در حجم‌های بالا معمولاً آزمون کلموگروف-اسمیرنوف دقیق عمل نمی‌کند و از چولگی و کشیدگی استفاده شد. چولگی و کشیدگی نشان داد که متغیرها نرمال هستند.

جدول ۲. آزمون KMO و بارتلت برای داده‌های پرسشنامه‌ی پژوهش

پرسشنامه‌ها	آزمون
دلبستگی	آزمون KMO ۰/۸۰
	آماره‌ی خی دو ۱۱۲۷۵/۰۰۹
تمایز یافتگی	سطح معناداری ۰/۰۰۰
	آزمون KMO ۰/۸۳
دلزدگی	آماره‌ی خی دو ۴۰۱۴۷/۰۷
	سطح معناداری ۰/۰۰۰
خودتنظیمی	آزمون KMO ۰/۸۴
	آماره‌ی خی دو ۱۸۸۴۰/۵۶
	سطح معناداری ۰/۰۰۰
	آزمون KMO ۰/۸۹
	آماره‌ی خی دو ۱۲۶۸۵/۹۷
	سطح معناداری ۰/۰۰۰

چون مقدار KMO برای هر چهار پرسشنامه از ۰/۶ بیشتر می‌باشد، تعداد نمونه برای انجام تحلیل کافی می‌باشد. همچنین سطح معناداری آزمون بارتلت از ۰/۰۵ کمتر است. این مطلب نشان‌دهنده‌ی این است که ماتریس داده‌ها یک ماتریس اتحاد نیست. به عبارت دیگر همبستگی کافی در میان داده‌ها وجود دارد.



نمودار ۱. نمودار مدل مفهومی در زنان و مردان متأهل

جدول ۳. نتایج تحلیل مسیر

ضریب	مسیر	آماره‌ی تی	سطح معناداری
۰/۰۵	سبک ایمن ← تمایز یافتگی	۱/۰۸	۰/۲۷
-۰/۱۱	سبک اجتنابی ← تمایز یافتگی	-۲/۴۷	۰/۰۱
۰/۰۰۰	سبک دوسوگرا ← تمایز یافتگی	-۰/۰۱	۰/۹۹
-۰/۵۶	تمایز یافتگی ← دلزدگی زناشویی	-۱۵/۹۹	۰/۰۰۰

سطح معناداری‌های جدول فوق نشان می‌دهد که بین تمایز یافتگی با دلزدگی زناشویی رابطه‌ی منفی و معناداری برقرار است و چون بین سبک‌های دلبستگی نیز با تمایز یافتگی رابطه برقرار است، بنابراین تمایز یافتگی در رابطه‌ی سبک‌های دلبستگی با دلزدگی زناشویی نقش واسطه‌گری دارد البته تمایز یافتگی تنها برای رابطه‌ی سبک اجتنابی با دلزدگی نقش واسطه‌گری دارد زیرا با دو سبک دیگر رابطه‌ی معناداری

ندارد. حال اثرات غیرمستقیم را حساب می‌کنیم: در این مرحله برای حصول اطمینان از برازش کلی مدل اندازه‌گیری بر داده‌ها، برخی شاخص‌های مهم ارزیابی برازش مدل محاسبه شد. نتایج تحلیل در جدول (۴) ارائه شده است.

جدول ۴. شاخص‌های برازش مدل

شاخص	توضیحات	مقادیر قابل قبول	مقدار به دست آمده
χ^2/df	کای اسکوئر نسبی	< ۵	۲/۸۱
RMR	ریشه‌ی میانگین توان دوم باقی‌مانده	< ۰,۱	۰/۰۵۳
GFI	شاخص نیکویی برازش	> ۰/۹	۰/۹۱
NFI	شاخص برازش نرم‌شده	> ۰/۹	۰/۹۲
CFI	شاخص برازش مقایسه‌ای	> ۰/۹	۰/۹۱
IFI	شاخص برازش افزایشی	> ۰/۹	۰/۹۲
TLI	شاخص تاکر- لویز	> ۰/۵	۰/۶۹

- ✓ مهم‌ترین آماره برازش، آماره مجذورخی است، این آماره میزان تفاوت ماتریس مشاهده و برآورد شده را اندازه می‌گیرد. این آماره به حجم نمونه بسیار حساس است و بنابراین در نمونه‌های با حجم بالا، بر درجه آزادی تقسیم می‌شود و در صورتی که از ۵ کمتر باشد، مناسب قلمداد می‌شود. همان‌گونه که در جدول (۴) مشاهده می‌شود مقدار محاسبه شده ۲/۸۱ می‌باشد که از عدد ۵ کمتر است.
- ✓ شاخص دیگر RMR می‌باشد که بایستی از عدد ۱ کمتر باشد و هرچه به عدد صفر نزدیک‌تر باشد از برازش بهتری برخوردار خواهد بود مقدار به دست آمده در اینجا ۰/۰۵۳ است که مناسب و قابل قبول می‌باشد.
- ✓ شاخص GIF (ارزیابی مقدار نسبی واریانس و کواریانس) که هرچه از ۰/۹ بیشتر باشد از برازش خوبی برخوردار است. مقدار به دست آمده در جدول (۳) برابر ۰/۹۱ است که قابل قبول می‌باشد.
- ✓ شاخص NFI (شاخص برازش نرم‌شده) که هرچه از ۰/۹ بیشتر باشد از برازش خوبی برخوردار است. مقدار به دست آمده در جدول (۳) برابر ۰/۹۲ است که قابل قبول می‌باشد.
- ✓ شاخص CFI (شاخص برازش مقایسه‌ای) که هرچه از ۰/۹ بیشتر باشد از برازش خوبی برخوردار است. مقدار به دست آمده در جدول (۳) برابر ۰/۹۱ است که قابل قبول می‌باشد.
- ✓ شاخص IFI (شاخص برازش افزایشی) که هرچه از ۰/۹ بیشتر باشد از برازش خوبی برخوردار است. مقدار به دست آمده در جدول (۳) برابر ۰/۹۲ است که قابل قبول می‌باشد.
- ✓ شاخص TLI (شاخص تاکر- لویز) که هرچه از ۰/۵ بیشتر باشد از برازش خوبی برخوردار است. مقدار به دست آمده در جدول (۳) برابر ۰/۶۹ است که قابل قبول می‌باشد؛ بنابراین مدل مفهومی تأیید می‌شود

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش، تدوین مدل دزدگی زناشویی بر اساس سبک‌های دلبستگی با واسطه‌گری تمایز یافتگی در زنان و مردان متأهل بود بر طبق مدل مفهومی پژوهش بین تمایز یافتگی و دزدگی زناشویی رابطه منفی و معنادار وجود داشت؛ که این یافته با نتایج پژوهش‌های ساداتی و همکاران (۱۳۹۳)، طالبی و غباری بناب (۱۳۹۲)، بیادسی و همکاران (۲۰۱۳) همسو می‌باشد. در تبیین یافته‌ها می‌توان عنوان کرد که یکی از عواملی که باعث دزدگی زناشویی می‌شود انباشته شدن سرخوردگی‌ها و تنش‌های زندگی روزمره است (ون بلت، ۲۰۰۴؛ پاینز، ۱۹۹۶ ترجمه شاداب، ۱۳۹۴). افراد با تمایز یافتگی بالا، خودآگاهی هیجانی بهتری دارند و قادر به برقراری تعادل کافی بین احساس و فکر خود هستند. نسبت به اینکه آن‌ها بر اساس موقعیت هیجانی‌شان واکنش نشان می‌دهند، می‌توانند بین احساساتشان از واقعیت تمایز قائل شده و در مورد رفتارشان بر اساس تفکر منطقی تصمیم‌گیری کنند. این فرآیند باعث می‌شود این افراد بتوانند استرس‌های روزمره را بهتر مدیریت کنند و سازگاری روان‌شناختی بیشتری از خود نشان دهند. از طرفی، روابط تمایز یافته توسط سطوح اضطراب پایین مشخص می‌شود در مقابل افراد نامتمایز که هویت تعریف‌شده‌ای از خود ندارند، در باقی ماندن در فردیتشان در طول تعاملات بین فردی مشکل دارند و در نقش معما و مسائل بین فردی، همراه با موج عاطفی خانواده حرکت می‌کند، اضطراب مزمن بیشتری را تجربه می‌کنند و تحت شرایط استرس‌زا، ناکارآمدی بیشتری را از خود بروز می‌دهند و نشانه‌های روانی و فیزیولوژیکی بیشتری مانند خلق افسرده، جسمانی کردن، اضطراب، الکلیسم و... را تجربه می‌کنند، در واقع، افرادی که سطح بالایی از تمایز یافتگی رادارند، خود واقعی محکم‌تری دارد و فاقد «خود کاذب» هستند. در مقابل، افرادی که سطح تمایز یافتگی پایین‌تری دارند کسانی هستند که تمایل به تصمیم‌گیری بر اساس احساسات خود دارند، به‌جای اینکه بر اساس قوه تفکر و اطلاعات واقعی تصمیم‌گیری کنند. نظریه بوئن تمایز یافتگی را به‌عنوان میانجی برای استرس درک شده و ناکارآمدی در نظر گرفته است یعنی فردی با تمایز یافتگی بالا بهتر می‌تواند سطوح بالاتری از استرس را کنترل کند و در نتیجه سطح کمتری از ناکارآمدی‌های استرس‌زا را تجربه می‌کند. همچنین، افرادی با سطح تمایز یافتگی بالا، احتمال بیشتری دارد که از روش‌های سازنده سازگاری با استرس استفاده کند، در بررسی مدل مفهومی پژوهش نشان داده شد که تمایز یافتگی در رابطه با سبک‌های دلبستگی ناایمن (دوسوگر/اجتنابی) رابطه منفی دارد و از طرفی با سبک دلبستگی ناایمن رابطه مثبت و معنی‌دار دارد و در ارتباط بین سبک دلبستگی اجتنابی نقش میانجی دارد. در تبیین این یافته پژوهش، می‌توان عنوان کرد که افراد کمتر تمایز یافته از نظر عاطفی وابسته به دیگران هستند. درحالی‌که افراد بیشتر تمایز یافته، این توانایی رادارند که مواضع شخصی خود را در روابط به‌کارگیرند. همچنین قادرند تا به افکار و احساساتشان خارج از نیازشان به پیروی از انتظارات دیگران توجه کنند. تمایز یافتگی بالا فرد را قادر می‌سازد تا در روابطش، مالکیت رفتار و احساسات و جهت‌گیری درونی‌اش را حفظ کند (پلگ و رهال، ۲۰۱۲). از سوی دیگر، کودکان دلبسته ناایمن در مواجهه با مشکلات، سریعاً برانگیخته می‌شوند؛ یعنی هیجان محور عمل می‌کنند، به‌راحتی ناامید می‌شوند و قادر به کمک گرفتن از مراقب خود نیستند. بالبی معتقد است که سبک دلبستگی فرد، روش مواجهه سازی و همسازی وی را با تجربه‌های تنیدگی‌زا شکل می‌دهد که نظام دلبستگی تحت شرایط تنیدگی‌زا

فعال می‌شود. به‌طور کلی می‌توان گفت، تعامل متقابل و رابطه عاطفی بین مادر و نوزاد، به روابط اجتماعی کودک در آینده شکل داده و نحوه برخورد مادر با کودک در چگونگی اجتماعی شدن و کسب مهارت‌های اجتماعی فرزند تأثیر می‌گذارد. همچنین پژوهش‌ها حاکی از آن است که سبک دلبستگی اجتنابی، پیش‌بینی کننده سازگاری زناشویی است. به شکلی که افراد دارای سبک‌های دلبستگی ایمن و دوسوگرا سازگاری بیشتری از سبک اجتنابی در روابط زناشویی از خود نشان می‌دهند و زنه‌های دارای سبک دلبستگی اجتنابی، نارضایتی از زناشویی را تجربه می‌کنند (اوزمن و آتیک، ۲۰۱۰). در نظام زناشویی نیز وقتی تمایز یافتگی زوج‌ها بالا باشد احتمال سازگاری مناسب با تعارض‌ها نیز برای زوج‌ها بیشتر می‌شود و اضطراب، واکنش‌های هیجانی و درنهایت آمیختگی کاهش می‌یابد، در سمت مقابل، استفاده زوج‌های با تمایز یافتگی پایین از اجتناب، به هنگام وقوع تعارض «با هم بودن و فردیت»، به بر هم زدن تعادل می‌انجامد و در درازمدت به دلزدگی منجر می‌شود. پژوهش‌ها به این امر اشاره دارند که اگر شیوه فرزندپروری مادر در چند ماه اول زندگی به‌صورتی باشد که فرزندش را به‌صورت «دلبسته ایمن» پرورش دهد، بسیاری از مشکلاتی که افراد در بزرگسالی مانند ناسازگاری زناشویی، طلاق، برقراری ارتباط با دیگران، عقب افتادگی تحصیلی را نخواهند داشت. افرادی که از سبک دلبستگی ایمن برخوردارند، دارای هوش هیجانی بالایی بوده و می‌توانند به مدیریت هیجان‌ها پرداخته و به تصمیم‌گیری‌های مؤثر در زندگی دست زده و توان مقابله با تنیدگی‌ها را به‌طور اثربخش داشته باشند. برعکس، دلبستگی نایمن به‌عنوان یک عامل خطر ساز بنیادین در نظر گرفته شده است که منجر به ارزیابی منفی در راهبردهای مقابله‌ای کمتر مفید و سازنده می‌شود، در پایان می‌توان گفت، این سبک دلبستگی است که به فرد این امکان را می‌دهد که از لحاظ عاطفی، اجتماعی و شناختی به رشد سالمی را تجربه کند و اعتماد و صمیمیت و تعهد در تعاملات را یاد بگیرد و به حس ارزشمندی و نگرش مثبت به خود را شکل داده و به خود نظمی عاطفی و هیجانی دست پیدا کند؛ بنابراین سبک دلبستگی شکل گرفته در افراد تأثیرگذار بر تمام جوانب زندگی، از جمله روابط عاشقانه بزرگسالی خواهد بود و نقطه شروع نظام ارتباطی زوجین در ازدواج نیز هست. از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: از آنجا که پژوهش حاضر رابطه‌ای بود در ترسیم روابط علی بین متغیرها ناتوان بود، تنها از طریق مقیاس‌های خود گزارش دهی گردآوری گردید که می‌تواند روایی درونی را تهدید کند همچنین استفاده از نمونه‌گیری در دسترس می‌تواند تعمیم‌پذیری نتایج را با محدودیت روبرو کند. در راستای محدودیت‌های پژوهش پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی ضمن استفاده از طرح‌های آزمایشی، اندازه‌گیری متغیرها در یک دوره زمانی صورت گیرد تا اطلاعات دقیقتری به دست آید، به کارگیری شیوه‌های چندگانه‌ای جهت ارزیابی می‌تواند تأثیر آزمودنی‌ها را کاهش دهد در صورت امکان از نمونه‌گیری تصادفی استفاده شود؛ همچنین با توجه به نتایج به‌دست‌آمده پیشنهاد می‌گردد مشاوران و روانشناسان در مداخلات خود، برنامه‌های هدفمندی جهت افزایش تمایز یافتگی برای کاهش دلزدگی زناشویی را مد نظر قرار دهند.

موازن اخلاقی

در این پژوهش موازن اخلاقی شامل اخذ رضایت آگاهانه، تضمین حریم خصوصی و رازداری رعایت شد.

سپاسگزاری

از تمامی شرکت‌کنندگان در پژوهش و همه کسانی که در اجرای پژوهش پژوهشگران را یاری کردند؛ تشکر و قدردانی می‌شود.

تضاد منافع: هیچ‌گونه تضاد منافی بین نویسندگان وجود ندارد.

منابع

- آریامنش، صابر، فلاح‌چای، سید رضا، و زارعی، اقبال. (۱۳۹۲). مقایسه تمایزیافتگی بین زوج‌های رضایت‌مند و زوج‌های دارای تعارض زناشویی در شهر بندرعباس.
- پناهی، مریم، جمارانی، شبنم، عنایت‌پور شهربابکی، مهدیه، و رستمی، مهدی (۱۳۹۶). اثربخشی زوج‌درمانی رفتاری-تلفیقی بر کاهش دلزدگی زناشویی و ترس از صمیمیت زوج‌ها. فصلنامه روانشناسی کاربردی، ۱۱(۳): ۳۹۲-۳۷۳.
- زارع سلطانی، اکرم، و قمری، محمد. (۱۳۹۵). رابطه طرحواره‌های ناسازگار اولیه مادران با اضطراب آشکار و پنهان دانش‌آموزان دخترابتدایی، زن و مطالعات خانواده، ۸(۳۳): ۶۲-۴۵.
- ساداتی، سید احسان، مهرابی‌زاده هنرمند، مهناز، و سودانی، منصور. (۱۳۹۳). رابطه علی تمایزیافتگی، نورزگرایی و بخشندگی با دلزدگی زناشویی با واسطه تعارض زناشویی. دوفصلنامه روانشناسی خانواده، ۱(۲): ۶۸-۵۵.
- صدری دمیرچی، اسماعیل، فتحی، داوود، و هاشمی مهر، منیژه. (۱۳۹۸). ارائه مدل سبک‌های دلبستگی و پیوستگی و انطباق خانواده با دلزدگی زناشویی والدین دانش‌آموزان دارای ناتوانی‌های یادگیری با میانجی‌گری تمایزیافتگی زوجین، ناتوانی‌های یادگیری، ۹(۲): ۸۰-۵۸.
- طالبی، محمد، و غباری بناب، باقر. (۱۳۹۲). تعیین رابطه تمایزیافتگی خود، هوش هیجانی و رضایت زناشویی در مراکز مشاوره شهر شاهرود (ترنم، صبا، روزبه، بهزیستی، ساداتی، مهرابیزاده هنرمند و سودانی ۶۶ بنیاد شهید و امور ایثارگران). مجله مطالعات زن و خانواده، ۵(۱۸): ۳۲-۱۵.
- عارفی، مختار، رحیمی، روح‌الله، و شیخ اسمعیلی، دلینا. (۱۳۹۵). پیش‌بینی سازگاری زناشویی زوج‌های جوان فرهنگی بر مبنای میزان تمایزیافتگی از خانواده اصلی و رضایت زناشویی والدین، فصلنامه خانواده و پژوهش، ۳۱(۳): ۱۰۷-۸۷.
- فتوحی، سکینه، میکاعیلی، نیلوفر، عطادخت، اکبر، و حاج‌لو، نادر. (۱۳۹۶). زوج‌درمانی مبتنی بر فراهیجان بر سازگاری و دلزدگی زناشویی زوج‌های با همسران دارای تعارض، فصلنامه فرهنگی، تربیتی زنان و خانواده، ۱۲(۳۹): ۶۸-۷۹.
- قنبری، سعید، اسماعیلی، زینب، تقی‌پور، ابراهیم، و خلقی، حبیبه. (۱۳۹۵). نقش دلزدگی زناشویی با میانجی‌گری کیفیت مراقبت مادرانه در پیش‌بینی مشکلات برونی‌سازی و برونی‌سازی شده کودکان، روش‌ها و مدل‌های روانشناختی، ۷(۲۶): ۷۲-۵۵.
- گلدنبرگ، ایرنه، و گلدنبرگ، هربرت. (۱۳۹۲). ترجمه سیامک نقش‌بندی، تهران: نشر روان.

یوسفی، ناصر، و عزیزی، آرمان. (۱۳۹۷). تبیین مدلی برای پیش بینی تعارض زناشویی بر اساس تمایز یافتگی و تیپ‌های شخصیتی، فرهنگ مشاوره و روان درمانی، ۹(۳۵): ۷۸-۵۷.

References

- Bitter, J. R. & Byrd, R. I. (2016). Adlerian family therapy. The SAGE Encyclopedia of Marriage, Family and Couples Counseling, 14-20.
- Biadisy-Ashkar, A., & Peleg, O. (2013). The relationship between differentiation of self and satisfaction with life amongst Israeli women: A cross cultural perspective. Health, 5(09), 1467.
- Emma E. Altgelt & Andrea L. Meltzer. (2019). Mate-retention behaviors mediate the association between spouses' attachment insecurity and subsequent partner satisfaction. Personality and Individual Differences. Volume 151, 1.
- Marganska A, Gallagher M, Miranda R. Adult attachment, emotion dysregulation, and symptoms of depression and generalized anxiety disorder. American Journal of Orthopsychiatry. 2013; 83(1):131-41
- Markus, D. R. (2003). Addiction, attachment and social support, PhD dissertation, Chicago school of professional psychology.
- Miniati, M., Callari, A., & Pini, S. (2017). Adult attachment style and suicidality. Psychiatria Danubina, 29(3), 250- 259.
- Peleg, O., & Rahal, A. (2012). Physiological symptoms and differentiation of self: A cross-cultural examination. International Journal of Intercultural Relations, 36(5), 719-727.
- Özmen, O., & Atik, G. (2010). Attachment styles and marital adjustment of Turkish married individuals. Procedia-Social and Behavioral Sciences, 5, 367-371.
- Omoro, P. M. (2018). Investigating the cause and possible solutions of divorce in Nairabi City County, Keniya. A project paper for the degree of masters of Arts in the University of Nairabi.
- Sandage, S. J., Crabtree, S., & Schweer, M. (2012). Differentiation of self and social justice commitment mediated by hope. Journal of Counseling & Development, 92, 67-74.
- Towler, A.J., & Stuhlmacher, A.F. (2013). Attachment Styles, Relationship Satisfaction, and Well-Being in Working Women. The Journal of Social Psychology, 153, 3,279-298.

پرسشنامه تمایز یافتگی

همیشه	زیاد	تا اندازه ای	کمی	بندرت	هرگز	
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱) نظر مردم درباره من این است که بیش از حد عاطفی هستم .
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۲) ابراز احساسات به افرادی که برایم اهمیت دارند دشوار است .
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۳) غالباً از بروز احساساتم به خانواده ام خودداری می کنم .
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۴) من حتی تحت شرایط استرس زا ، آرام می مانم .
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵) معمولاً برای شروع یک کار یا وظیفه بزرگ به تشویق زیادی از جانب دیگران نیاز دارم
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۶) اگر کسی که به من نزدیک است ، مرا از خودش ناامید کند ، مدتی از او کناره می گیرم
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۷) هر اتفاقی که در زندگیم بیفتد ، معنای این که "چه کسی هستم" را از دست نمی دهم
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۸) می خواهم مطابق انتظاراتی که والدینم از من دارند، رفتار کنم.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۹) کاش این قدر عاطفی(احساساتی) نبودم .

۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۰) معمولاً برای خوشحال کردن دیگران رفتارم را به آسانی تغییر می‌دهم.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۱) دوستانم تحمل این مورد بعضی چیزها احساسات واقعی خود را برایشان بیان کنم ندارند
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۲) وقتی یکی از دوستانم از من انتقاد می‌کند، چند روز رنجیده خاطر می‌شوم.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۳) گاهی احساساتم وضع مرا بهم می‌زند و تفکراتم دچار مشکل می‌شود.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۴) هنگام بحث با هر شخصی می‌توانم افکارم را درباره موضوع مورد بحث از احساساتم نسبت به آن شخص جدا کنم.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۵) غالباً وقتی اشخاص به من خیلی نزدیک می‌شوند، احساس ناراحتی می‌کنم.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۶) احساس می‌کنم حقیقتاً به تأیید تمام اشخاص زندگیم نیازمندم.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۷) گاهی می‌بینم که احساساتم دائم در نوسان است.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۸) به خاطر چیزهایی که نمی‌توانم آن‌ها را تغییر دهم، آشفتگی می‌شوم.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۹) نگرانم که مبدا استقلال خود را در روابط صمیمانه از دست بدهم.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۲۰) بیش از حد نسبت به انتقاد حساسم.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۲۱) سعی می‌کنم مطابق انتظارات والدینم زندگی کنم.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۲۲) من نسبتاً خودم را قبول دارم.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۲۳) غالباً احساس می‌کنم دوستانم بیش از اندازه از من توقع دارند.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۲۴) اغلب به خاطر خوشحال کردن دیگران با آن‌ها موافقت می‌کنم.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۲۵) اگر با دوستم بحثی داشته باشم، تمام طول روز به آن فکر می‌کنم.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۲۶) حتی اگر فشار دیگران باشم، می‌توانم به آن‌ها "نه" بگویم.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۲۷) وقتی روابطم با یک نفر خیلی شدید می‌شود، احساس می‌کنم باید از آن بگریزم.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۲۸) هنوز جر و بحث با والدین و خواهر و برادر(هایم) به من احساس بدی می‌دهد.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۲۹) اگر کسی از دست من آزاده شود، نمی‌توانم به آسانی از کنار آن بگذرم.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۳۰) وقتی کاری انجام می‌دهم که فکر می‌کنم درست است، کمتر نگران تأیید دیگران هستم.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۳۱) برای کسب حمایت عاطفی هرگز فکر رو آوردن به اعضای خانواده ام را نمی‌کنم.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۳۲) غالباً وقتی دیگران برای کمک در تصمیم‌گیری کنارم نباشند، احساس ناامنی می‌کنم
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۳۳) خیلی نگران آزاده شدن توسط دیگران هستم.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۳۴) اعتماد به نفس من خیلی به نظر دیگران بستگی دارد.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۳۵) وقتی با دوستانم هستم، احساس خفگی می‌کنم.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۳۶) هنگام تصمیم‌گیری، کمتر نگران نظر دیگران هستم.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۳۷) غالباً مطمئن نیستم چه اثری روی دیگران داشته ام.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۳۸) وقتی کاری خراب می‌شود، معمولاً صحبت درباره آن وضع را بدتر می‌کند.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۳۹) همه چیز روی من بیش از دیگران اثر می‌گذارد.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۴۰) معمولاً صرف نظر از حرف دیگران کاری را می‌کنم که فکر می‌کنم درست است.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۴۱) اگر دوستانم فضایی را که نیاز دارم به من بدهند، روابط ما بهتر خواهد شد.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۴۲) غالباً در شرایط استرس، تعادل خود را حفظ می‌کنم.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۴۳) گاهی بعد از بحث با دوستانم می‌خواهم استفرغ کنم.

مقیاس دلزدگی زناشویی

ردیف	عبارات	هرگز	یکبار طی مدتی طولانی	بندرت	گاهی	معمولاً	غالباً	همیشه
۱	خستگی	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۲	افسردگی	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۳	روز خوبی داشتن	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۴	از نظر جسمانی از پا افتادن	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷

۵	از نظر عاطفی از پا افتادن	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۶	خوشحال بودن	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۷	"تهی و خالی" شدن، درد کردن همه بدن	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۸	لبریز شدن کاسه صبر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۹	ناراحتی	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱۰	خستگی و تباهی و مستعد بیماری شدن	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱۱	به دام افتادن	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱۲	بی ارزش بودن	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱۳	بی چیز بودن، چیزی برای بخشیدن نداشتن	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱۴	گرفتار مشکل شدن	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱۵	درباره همسر احساس خشم و سرخوردگی کردن	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱۶	ضعف و اختلالات خواب	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱۷	نامیدی	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱۸	طرد شدن از طرف همسر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱۹	خوش بین بودن	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۲۰	پر انرژی بودن	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷

پرسشنامه سبک‌های دلبستگی

ردیف	سوال	کاملاً مخالفم	تا حدودی مخالفم	تا حدودی موافقم	کاملاً موافقم	
۱	ایجاد ارتباط با دیگران برآیم آسان است	۱	۲	۳	۴	۵
۲	مشکل به خودم اجازه می‌دهم که به دیگران وابسته باشم	۱	۲	۳	۴	۵
۳	در روابطم اغلب نگرانم که طرف مقابل واقعا دوستم نداشته باشد	۱	۲	۳	۴	۵
۴	آنقدر که من دوست دارم به دیگران نزدیک شوم، دیگران به اندازه من تمایل به ارتباط ندارند	۱	۲	۳	۴	۵
۵	دوست دارم به دیگران متکی باشم	۱	۲	۳	۴	۵
۶	از اینکه کسی به من نزدیک شود ناراحت نمی‌شوم	۱	۲	۳	۴	۵
۷	فکر می‌کنم وقتی به دیگران احتیاج دارم هیچگاه در دسترس نیستند	۱	۲	۳	۴	۵
۸	از اینکه به مردم نزدیک باشم راحت نیستم	۱	۲	۳	۴	۵
۹	در روابطم اغلب نگرانم که طرف مقابلم نخواهد ارتباطش را با من ادامه دهد	۱	۲	۳	۴	۵
۱۰	وقتی احساساتم را به دیگران نشان می‌دهم، می‌ترسم که آنها همان احساس را درباره من نداشته باشند	۱	۲	۳	۴	۵
۱۱	در ارتباطاتم اغلب از خود می‌پرسم آیا طرف مقابل واقعا به من توجه دارد	۱	۲	۳	۴	۵
۱۲	به راحتی می‌توانم با دیگران روابط دوستانه نزدیک برقرار کنم	۱	۲	۳	۴	۵
۱۳	وقتی کسی خیلی با من صمیمی می‌شود، عصبی می‌شوم	۱	۲	۳	۴	۵
۱۴	می‌دانم وقتی که به دیگران نیاز داشته باشم، آنها در دسترس خواهند بود	۱	۲	۳	۴	۵
۱۵	دل‌م می‌خواهد به مردم نزدیک شوم اما می‌ترسم به من صدمه بزنند	۱	۲	۳	۴	۵
۱۶	فکر می‌کنم که مشکل است که آدم به دیگران کاملاً اعتماد کند	۱	۲	۳	۴	۵
۱۷	اغلب مردم می‌خواهند با من صمیمی تر از آن حدی بشوند که من احساس راحتی می‌کنم	۱	۲	۳	۴	۵
۱۸	مطمئن نیستم که بتوانم به افرادی تکیه کنم که به هنگام نیاز در دسترس باشند	۱	۲	۳	۴	۵

Providing a Model for Marital Burnout based on attachment styles in married people: Differentiation with mediating role

Mehran. Asadi ¹, Taghi. Pourebrahim*², Noorali. Farrokhi³ & Mahdi. Davae⁴

Abstract

Aim: The aim of this study was to develop a model of marital boredom based on attachment styles in married people: with a mediating role of differentiation. **Methods:** In terms of the applied purpose of the research, the research design was descriptive and the type of correlation was modeling. The statistical population of the present study included all young married men and women between the ages of 20-35 who referred to psychology and counseling clinics in Tehran using the sampling method available to 480 people (289 females, 191 males) as a sample were chosen. Data were collected using the Pinner Marital Boredom Scale (1996), the Scorne and Friedlander (1998) Differentiation Questionnaire, and the Collins and Reed Adult Attachment Style Questionnaire (1990). **Results:** The results showed that there was a significant negative relationship between marital differentiation and boredom, Also, differentiation has a negative relationship with insecure attachment styles (ambiguous / avoidant) and on the other hand has a positive and significant relationship with insecure attachment style and has a mediating role in the relationship between avoidant attachment style and marital boredom ($P < 0.05$). **Conclusion:** According to the relationship between attachment styles and marital heartbreak, and also regarding the mediating role of differentiation in the relationship between attachment styles and marital heartbreak, it is concluded that paying attention to these two variables in premarital and couple interventions by family counselors and psychologists is effective in preventing couple relationship damage.

Keywords: Marital Burnout, attachment styles, Differentiation

1. PhD student of Counseling Department, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

2. *Corresponding Author: Assistant Professor of Counseling Department, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Email: t_pourebrahim@sbu.ac.ir

3. Associate Professor, Department of Psychology, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran

4. Associate Professor of Counseling Department, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran